

آینه

ایران

«بی‌بی‌سی» و «من‌وتو» در خدمت براندازان

● از حاشیه‌های برجسته تأسیس گروه فرشگرد، تمرکز قابل توجه رسانه‌های خارج از کشور نظیر من‌وتو، بی‌بی‌سی فارسی، رادیو فردا و صدای آمریکا بود. هرکدام از این رسانه‌ها به شکلی علاوه بر پوشش خبر تأسیس گروه «فرشگرد»، بخش‌های تحلیلی زیادی را به آن اختصاص داده و از این طریق تریبون برای تأسیس‌کنندگان آن فراهم کردند. کامبیز نوروزی، فعال رسانه‌ای و نایب‌رئیس انجمن روزنامه‌نگاران استان تهران به واکنش به همین برنامه‌ها ضمن اشاره به اینکه «تلویزيون فارسی بی‌بی‌سی مدت‌هاست اصل بنیادی بی‌طرفی را کاملاً کنار گذاشته است و کاملاً جانبدارانه علیه ایران حرکت می‌کند»، نوشت: «سقوط تأسف‌بارتر جدید این است که این تلویزیون پرمعا، در این چندروزه وقت زیادی از برنامه‌های خبری و تحلیلی خود را در اختیار چند نفر از اعضای نااشناخته یک گروه سلطنت‌طلب تازه‌پا قرار می‌دهد که چند نفر خارج کشوری‌های گمنام تشکیل داده‌اند که هیچ وزنی در سیاست ایران ندارند و بیرون رضا پهلوی‌اند و وطن‌فروشانه دست به دامن ترامپ شده‌اند. این گروه طرفدار تحریم و مداخله نظامی در ایران است.»



مدعی‌العموم در قضیه توهین به عاشورا کجاست؟

● در هفته‌ای که گذشت و درحالی‌که مردم ایران از افشار مختلف و با تیپ‌های ظاهری متفاوت فرارسیدن ماه محرم را گرامی می‌داشتند، سه توهین و تعرض به امام حسین و عزاداران حسینی جنجالی شد.
اولی فحاشی تلتو، خواننده زیرزمینی به امام حسین و شهدای کربلا بود که حکم چنین ملعونی در شرع مقدس مشخص است. موضوع دوم جدی‌تر بود. چه آنکه دکتر مهادد فرد توهین‌کننده، عضو شورای شهر نیشابور بود و همین جایگاه باعث شد اعتراضات به او بسیار شود تا جایی که هیئات مذهبی نیشابور با تجمع مقابل ساختمان شورای این شهر خواستار برکناری او شدند. در موضوع سوم پای وزارت خارجه وسط آمد. چه آنکه، سیدیه گلریز فرد توهین‌کننده در صفحه اینستاگرامش خود را مترجم وزارت خارجه معرفی کرده است. او با توهین به شخصیت امام، به مدح یزید پرداخت... در هر سه مورد هم خبری از مدعی‌العموم نیست. در حالی که طبیعتاً توهین به ائمه علیهم‌السلام و مقدسات مردم و خود مردم و نیز توهین به مسئولان نظام را مدعی‌العموم باید پیگیری قضائی کند.

انتقاد

سخنی با مدامافغان دیروز تلتو

● **سیدعبدالجواد موسوی**: اهانت تلتو به ساحت مقدس ائمه اطهار یک بار دیگر ثابت کرد برخی مدعیان رسمی و شائسانمادر دفاع از ارزش‌ها رسماً دروغ‌گویند و دعوی آنان در دینداری یکسره باطل و لغو است. چگونه می‌توان در مقابل یک نمایش‌نامه صندوبنچاه نسخه‌ای که احتمال وهن امام زمان در آن می‌رفت، کفن پوشید و کف بر لب آورد و تا استیضاح رئیس‌جمهور وقت پیش رفت و آن وقت در مقابل توهین‌ها و آشکارا یک دهان‌دریده بی‌اصل‌ونسب مهر بر لب زد و اصلاً به روی مبارک هم نیاورد. چه اتفاقی افتاده است؟ آنهایی که حکم اعدام هاشم آقاچری را به دلیل تعرض به مراجع صادر کردند کجای کارند؟ آیا سیاسی‌بازی و سیاسی‌کاری باید جای شرف و غیرت و همه‌چیز ما را بگیرد؟ جالب‌تر از همه اینهایی‌اند که تا دیروز در ستایش آزادی و قنوت این موجود بی‌هنر منبر می‌رفتند و این روزها هم با وجود همه این اتفاقات تأسف‌بار باز هم از رو نمی‌روند و چشم در چشم معترضان افاضه می‌فرمایند، ملاک حال فعلی افراد است! عجباً! پس آن همه دعوی بصیرت چه شد؟

کیتان

تفاوت رفتار نیروهای حزب‌اللهی و ضدانقلاب درباره تلتو

● گفتنی است تلتو مدتی است از کشور خارج شده و در فضایی نه‌چندان شفاف، درگیر اجرای پروژه‌هایی است که اتفاقاً به کار رسانه‌ای جریان فتنه‌گر و ضدانقلاب می‌آید؛ نظیر ماجرای کشف حجاب دختری به نام مانده مژیری و سپس توهین اخیر به مقدسات. او پس از سفر به ترکیه و کنسرت ناگام، از شبکه بی‌بی‌سی سر درآورد. به عبارت دیگر، به نظر می‌رسد او در جریان سفر به ترکیه، توسط سرویس‌های امنیتی بیگانه مدیریت می‌شود و البته اثبات چنین موضوعی، چیزی از مسئولیت وی در بی‌حرمتی و هتاکي به مقدسات (و تحمل مجازات قانونی و شرعی آن) کم نمی‌کند... می‌توان گفت تلتو امروز ته صف و اردوگاهی استاده که فتنه‌گران طعنه‌زن، یسگام و خطشکن آن- به نیابت از جبهه استکبار- بوده‌اند. در واقع جریان حزب‌اللهی می‌خواست او را نجات دهد و جریان آلوده به ضدانقلاب سعی کرد او را به منجلاهی که خود در آن قرار گرفته‌اند، بازگردانند.

politics@sharghdaily.ir

● **آییده شورای‌عالی کجا، چه زمانی و با چه سازوکاری شکل گرفت؟**

شورای هماهنگی احزاب اصلاح‌طلب که از احزاب شناسنامه‌دار اصلاح‌طلب و به ائتلاف درون جناحی معتقد بودند، از اواخر دهه ۶۰ و اوایل دهه ۷۰ تحت عناوین مختلفی -مثلاً در برهه‌ای با نام شورای هماهنگی نیروهای خط امام- تشکیل شد. در انتخابات مجلس هشتم، اسفند ۸۶، این بحث مطرح شد که به نمایندگی از جریان اصلاحات، راهبری انتخابات مجلس هشتم، از سوی چه مرجعی صورت بگیرد. بعد از بحث‌های فراوانی که درگرفت، اولین نسخه شورای‌عالی سیاست‌گذاری اصلاح‌طلبان در همان سال‌ها مطرح شد و با مجموعه چهره‌های حزبی -که عضو شورای هماهنگی احزاب اصلاح‌طلب بودند- و نیز شخصیت‌های حقیقی مؤثر به ریاست آقای موسوی‌لاری تشکیل جلسه دادیم. انتخابات مجلس هشتم را برای سراسر کشور این مجموعه دنبال کرد. من هم عضو این گروه بودم. یادم است مثلاً آقای مهندس بی‌طرف، آقای لاری، آقای مرعشی و بقیه دوستان هم بودند. همه ظرفیت‌های حزبی بود، علاوه بر آن اشخاص هم حضور داشتند. این باور باعث تشکیل «شورای سیاست‌گذاری» شد (آن زمان «عالی» نبود) که جریان اصلاحات دارای ظرفیت‌های متنوع و پراکنده است، راهبری این جریان در فصول انتخاباتی نیازمند نوعی از سازماندهی است که همه این ظرفیت‌های پراکنده را هم‌راستا با تحقق اهداف به کار گیرد.

این موضوع حاصل تجربه سال ۸۴ بود؟

این تجربه از دهه ۶۰ هم بود. در انتخابات مجلس سوم و بعدتر در مجلس چهارم، پنجم و حتی ششم که حزب مشارکت بیشتر محور بود. [این گروه شورای سیاست‌گذاری] در سال ۸۸ هم به این جمع‌بندی رسیدیم که آقای خاتمی کاندیدا شود. بعد از آن، ستادی تشکیل شد به ریاست آقای دکتر عارف و نایب‌رئییی آقای امین‌زاده، هم آقای عارف و هم آقای امین‌زاده و هم آقای خاتمی از من خواستند که من نیز کمک کنم. آقای خاتمی که به‌نفع مهندس موسوی کنار رفتند، ما ستاد را جمع کردیم و مجموع ظرفیت‌ها به ستاد آقای موسوی پیوست. حوادث بعدی را هم که می‌دانید، در انتخابات مجلس نهم هم، به علت پیامدهای سال ۸۸ و نوع نگاهی که وجود داشت، اصلاً چنین مرجعی نداشتیم. تا رسیدیم به انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۹۲. در سال ۹۱،۹۰ آقای خاتمی مجموعه‌ای از دوستانشان را تحت عنوان «شورای مشاوران» خودشان دعوت می‌کردند. الان هم این شورا هست. من هم عضو آن بودم و هستم. ترکیب شورای مشاوران آقای خاتمی اعم از چهره‌های حزبی و چهره‌های سیاسی مؤثر غیرحزبی بود.

● **به انتخاب خود آقای خاتمی؟**

بله. الان در این ترکیب دبیران کل احزاب اصلاح‌طلب و هم عضو شورای مشاوران هستند. در سال ۹۱ بحث نحوه سازماندهی انتخابات ریاست‌جمهور سال ۹۲ مطرح بود. در شورای مشاوران کارگروه‌های مختلفی شکل گرفت؛ از جمله کارگروه انتخابات که من هم عضو آن بودم. آنجا طراحی اولیه صورت گرفت و ارائه شد. شورای هماهنگی هم آماده شده بودند. این بحث مطرح شده این دو ظرفیت در یک‌دیگر جمع شوند.

● **شورای مشاوران و شورای هماهنگی**

کمیته انتخابات شورای مشاوران و کمیته انتخاباتی شورای هماهنگی جبهه اصلاحات.

● **این هسان طرحی بود که شما روی آن کار می‌کردید؟**

بله، عرض می‌کنم. ضمن اینکه در کنار این دو جریان ما در مجموعه آقای دکتر عارف هم یک شورای مشاوران داشتیم که برای مجلس و ریاست‌جمهوری کار می‌کردیم. نهایتاً هم کاندیدای ما آقای دکتر عارف شد؛ اما پیشنهاد تشکیل «شورای‌عالی سیاست‌گذاری» از سوی رئیس وقت شورای هماهنگی احزاب اصلاح‌طلب -یعنی آقای مهندس غریبانی که رئیس دوره‌ای بود- مطرح شد. دو بار آقای غریبانی و آقای منتجبینا آمدند پیش آقای دکتر عارف، هر دو بار هم من حضور داشتم. خلاصه کلام این بود که برای پیشبرد اهداف در انتخابات‌های پیش‌رو این دو بخش باید در یک‌دیگر ادغام شوند. در حقیقت سه بخش شده بود: ظرفیت پیرامون آقای دکتر عارف، ظرفیت کمیته انتخابات شورای مشاوران آقای خاتمی به ریاست آقای موسوی‌لاری و شورای هماهنگی احزاب اصلاح‌طلب.

این موضوع برای چه سالی است؟

بعد از انتخاب ریاست جمهوری بود، سال ۹۳.

● **پس عملاً هسته دور آقای عارف، به واسطه انتخابات ۹۲ شکل گرفته بود.**

ما البته از سال ۸۶ با دکتر عارف کار می‌کنیم. برای انتخابات مجلس هشتم آقای دکتر عارف کاندیدای ما بود. ثبت‌نامه هم کرد و صلاحیتش هم تأیید شد. بعداً بنابر درصلاحیت‌هایی که صورت گرفت، به نشانه اعتراض صامت کارگه‌بری کرد.

● **از همان زمان صامت اعتراض می‌کرد؟**

بله، اصلاً کناره‌گیری کرد. اگر خاطراتان باشد، در انتخابات مجلس هشتم با تابلوی «ایران خاتمی» آمده بودند. آقای مجید انصاری، آقای جهانگیری و آقای محجوب از طرف ما به دور دوم رفتند. مجید انصاری در جلسه‌ای که آقای خاتمی برگزار کرده بود و من هم بودم، گفت در صدق‌گوی که خودم رای

سیاست

نگاهی به سازوکار «شورای عالی سیاست‌گذاری اصلاح‌طلبان» در گفت‌وگو باحسن رسولی

هیچ توطئه‌ای در کار نیست



حسن، محمدعلی مرزباد، تسنیم

حسین جلالی: بعد از انتخابات شورا‌های شهر و روستا در سال ۹۶، «شورای عالی سیاست‌گذاری اصلاح‌طلبان» با نقدهای جدی و پردامنه‌ای روبه‌رو شد. دوره خوش پیروزی‌های انتخاباتی و «لیست‌های تکرار» تمام شد و حالا زمان پاسخ‌گویی بود. منتقدان، شورای‌عالی را جایی برای تقسیم غنایم و قدرت می‌دانند. در مقابل، عده‌ای نزاع درون‌گروهی، بر سرکسب کرسی‌های دموکراتیک را تا حدودی طبیعی توصیف می‌کنند و از لزوم وجود نهادهی برای کنترل این نزاع سخن می‌گویند. به باور برخی از تحلیلگران، شورای عالی می‌تواند کار ویژه‌ای را بر عهده بگیرد تا در مجموع به کلیت جریان اصلاحات و اصلاح امور کشور یاری رساند؛ منتقدان اما خوش بین نیستند. به گمان آنها شورای عالی در شرایط فعلی روز‌به‌روز به سمت بازی در منطقی محافظه‌کارانه و کاسب‌کارانه سوق پیدا می‌کند و درگیری فرصت‌طلبان بر سر لیست‌های انتخاباتی است و تالی آن بی‌معناشدن اصلاحات. اکنون حوصله‌ها کمتر شده است و صداها بلندتر، برای همین هم هست که برخی از ورود به گفت‌وگوهای جزئی‌تر برهیز می‌کنند. باوجوداین، زمان در گذر است؛ آن هم به ضرر اصلاحات. در ادامه گفت‌وگوی حسن رسولی، عضو هر سه دوره شورای عالی سیاست‌گذاری، را درباره این نهاد اصلاح‌طلب می‌خوانید. در این مصاحبه تلاش شده تا با فاصله‌گرفتن از بحث‌های نظری، سازوکار شورای عالی بیشتر باز شود. -رسولی در پاسخ به برخی سؤالات توجه مخاطبان را به محدودیت‌ها و فشارها جلب کرده و تلاش می‌کند منطق حاکم بر این شورا را نشان دهد. البته این قسم گفت‌وگوها زمانی می‌تواند به هدف خود نزدیک‌تر شود که دیگر اعضای شورای‌عالی نیز با منتقدان و جامعه وارد گفت‌وگو شوند و در مقابل، منتقدان و صاحب‌نظران نکته‌سنج نیز وارد این دیالوگ شوند.

■ ■ ■

در متن شورای‌عالی سیاست‌گذاری اصلاح‌طلبان به اختصار «شورای‌عالی» و شورای هماهنگی احزاب/جبهه اصلاح‌طلب به اختصار «شورای هماهنگی» نوشته شده‌اند.

داده‌ام، رای من نیست. آقای خاتمی از این بزرگواران خواست حالا که مشخص شده است خبری نیست، کناره‌گیری کنید. هیچ‌کدام هم کناره‌گیری نکردند و آخر هم آقای محجوب به مدد سازمان کارگری رای آوردند. می‌خواهم عرض کنم که هسته اصلی آقای عارف سال ۸۶ شکل گرفته بود که هنوز هم ساری و جاری است. من هم جزء آن هستم، در هسته آقای خاتمی هم بوده و هستم و ان‌شاءالله تا پایان خواهم بود. پیشنهادی که این دوستان آوردند، این بود که ترکیبی از شورای هماهنگی به‌علاوه تعدادی از اعضای کمیته انتخاباتی شورای مشاوران آقای خاتمی و نیز شورای مشاوران آقای دکتر عارف، به نحوی که وجه غالب با دبیران کل احزاب (شورای هماهنگی) باشد، با عنوان «شورای‌عالی سیاست‌گذاری اصلاح‌طلبان» به ریاست آقای دکتر عارف -که مقبول هر سه جریان بودند - شکل بگیرد. بعد از دو، سه بار رفت و برگشت، نهایتاً توافق شد که شورای‌عالی برای ورود به انتخابات سال ۹۴ - مجلس دهم - و بعد انتخابات ریاست‌جمهوری و شوراها در سال ۹۶ آماده شود. الان هم در آستانه شکل‌گیری دور سوم این شورا هستیم.

● **که جلسه اول آن چند روز پیش برگزار شد.**

بله، جلسه اول در حضور آقای خاتمی برگزار شد و جلسه دوم هم فردا در محل سابق خودش برگزار خواهد شد. به‌این‌دلیل که ما فاعد دو، سه حزب توانمند و جریان‌ساز هستیم، به اجبار هر دو جناح سیاسی کشور در فصول انتخاباتی باید به سمت جمعیت حرکت کنند. جناح اصولگرا در دوره‌ای این کار را با عنوان «شورای هماهنگی نیروهای خط امام و رهبری» انجام داد. یک بار شدند «نیروهای انقلاب»؛ به‌تازگی هم که جمناً را تشکیل داده‌اند. می‌خواهم بگویم ضرورت وجود چنین سازمان‌های اجماع‌سازی بین ظرفیت‌های حزبی و ظرفیت‌های مؤثر غیرحزبی، امری است که بنا بر تجربه نه‌آیدنه شده است. مجموعه شورای‌عالی، در دو دوره قبلی کمیته‌ای برای ارزیابی نقاط قوت و ضعف این شورا به ریاست آقای دکتر توفیقی تشکیل داد و گزارش‌های آن نیز در دسترس هست.

● **در دسترس عموم؟**

در دسترس اعضای شورای‌عالی. نظرسنجی انجام شده و حتی به ۸۰، ۷۰ نفر که با فلسفه وجودی شورای‌عالی نیز مخالف بودند، پرسش‌نامه داده‌ایم و نقطه‌نظر آنها را پرسیدیم. کسی در اصل اینکه ما چنین مرجعی نیاز داریم، اختلاف نظر ندارد؛ اما همیشه اختلاف‌نظر این بود که این مرجع شورای هماهنگی باشد یا شورای عالی که حدود دومس آن از چهره‌های حزبی هستند.

● **در دور اول چه افرادی اعضای شورای‌عالی را تعیین کردند؟**

اعضای حقوقی که از قبل تعیین شده بودند، همه احزابی که دارای پروانه فعالیت از کمیسیون ماده ۱۰ قانون احزاب بودند، مرام اصلاح‌طلبی داشتند و بنا بر آیین‌نامه داخلی شورای هماهنگی، به‌عنوان اعضای آن مجموعه پذیرفته شده بودند؛ بنابراین کسی این

- را جمع کنیم، همین استراتژی را در مورد احزاب اعمال کنیم. از ۲۸، ۲۷ حزب شناسنامه‌دار با یک سازوکاری - البته من سازوکار آن را نمی‌دانم - این تکثیر، تکسیر [در هم‌شکاندن] به‌همراه دارد. این مرزهای بین‌الاحزایی خودش باعث ایجاد شکاف می‌شود، کم‌اینکه برخی از دوستان حزبی ما به‌خاطر انتقاداتی که به سازوکار شورای‌عالی دارند، مشارکت جدی نمی‌کنند. من خودم شاهد بودم که تقاضا از مهندس غریبانی و آقای منتجب‌نیا بود. نامه مکتوب آن وجود دارد؛ هم به آقای خاتمی و هم به دکتر عارف. حتی در جلسه اول دکتر عارف به‌هیچ‌وجه نمی‌پذیرفت و استعکاف می‌کرد. الان اگر از همین دو بزرگوار که اسم بردم بپرسید، می‌گویند ساختار این شورای‌عالی مناسب نیست و امر اجماع‌ساز باید به شورای هماهنگی واگذار شود. بعد می‌گویم آیا شورای هماهنگی می‌تواند در سراسر کشور ساختار ملی استانی و شهرستانی طراحی کند؟ استعدادسنجی که می‌کنیم، می‌بینیم نمی‌شود. اگر بخش حقیقی به کمک آن نیاید، در مواجهه با محدودیت‌ها و از سوی دیگر دست باز رقیب ما، امکان به‌وجودآوردن یک جریان کارآمد نیست. می‌دانید که رقیب ما خوشبختانه هیچ محدودیتی ندارد و همه محدودیت‌ها متوجه ماست. بنابراین سیاست‌ورزی اصلاح‌طلبان کاملاً ناهموار است. ایده پارلمان اصلاحات هم که از ابتدا مطرح بود. آقای دکتر نجفی یک دوره مطرح کردند. سال‌هاست که آقای الیوری آن را مطرح کرده‌اند. به‌تازگی هم دوره شورای هماهنگی آن را مطرح کرده‌اند. این ایده در حال پخته‌ترشدن است که نهاد انتخابی و فراگیرتری از شورای‌عالی شکل بگیرد. به‌گونه‌ای که پارلمان در سایه اصلاح‌طلبان باشد که از افشار مختلف جامعه، اقوام، مناطق، طبقات صنفی و نسلی و حتی جنسیتی در آن وجود داشته باشند.

الان روی این ایده کار می‌شود؟

بله، دارد روی آن کار می‌شود.

● **آقای رسولی تأکید کردید که می‌خواهید به سمت احزاب فراگیر حرکت کنید، اما فعلاً برای آن سازوکار مشخصی ندارید. شورای‌عالی در این خصوص کاری انجام نمی‌دهد؟**

شورای‌عالی - که اساساً دومس آن احزاب - هستند نقش قیومیت را برای احزاب ندارد، چراکه خودش برخاسته از دبیرکل احزاب است. به گمان من اصلاً جزء شئونات آن هم نیست که درباره احزاب رهنمود بدهد. شورای‌عالی آغاز فرایند اقدام است. ایده‌اش هم هست، اما هنوز پرزور و ظهور عملیاتی پیدا نکرده است. پروژه، پروژه بسیار دشواری است. فرض کنید در جبهه اصلاحات دو حزب ملی با فراگیری کامل داشته باشیم که در برخی از امور با هم اختلاف‌نظر داشته باشند، اما در مقطع انتخابات اتستلاذ این دو حزب در قالب جریان اصلاحات می‌شود مرجعی برای هدایتگری. در این صورت دیگر نیازی به شورای‌عالی نخواهد بود.

● **درست است، اما منظرم از «برنامه»، رهنموددادن نیست. اساساً با نصیحت چیزی درست نمی‌شود. مسئله این است که ساختار فعلی که به احزاب، فشارخ از گستردگی بدنه اجتماعی آنها، یک حق رای می‌دهد، این کار دعوتی است برای تأسیس احزاب بیشتر.**

این یکی از نقایص ماست.

● **در دوره سوم برای آن فکری نکردید؟**

نه، هیچ فرقی نکرده است. همان‌طور که گفتید، ملایک عضویت یک عضو حقوقی به‌هیچ‌عنوان در خود شورا تعیین نمی‌شود. به‌عبارتی دیگر شورای‌عالی صلاحیت این را ندارد که حزب ایکس که به لحاظ گستردگی رتبه یک را دارد با حزب ایکرگ که از آخر اول است، وزن‌کشی کند و بنابراین در شورا سهم پیدا کنند. این سازوکار وجود ندارد و به نظر من هم نباید باشد. مرجع این وزن‌کشی شورای‌عالی نمی‌تواند باشد. مهم‌ترین هدف شورای‌عالی اجماع‌سازی است. اگر شورای‌عالی وارد وزن‌کشی شود، مستلزم اختلاف می‌شود. بنابراین این نقش را بالااجبار باید بپذیریم، چراکه برطرف‌کردن این نقص مستلزم خسارت بیشتری است که به اصل فرایند اجماع‌سازی لطمه می‌خورد. شاید چندصد ساعت- نفر روی این صحبت کردیم. حرف هم درست است، اما فلسفه این شورا ایفای نقش اجماع‌ساز است. این نقش هست، اما با این نقص داریم زندگی می‌کنیم.

● **در نقدهایی که اخیراً به جریان اصلاحات وارد شده، این نکته مکرر گفته شده که در جریان فعلی، دست‌بالا از آن تکنوکرات‌ها» است. بحث نظری نمی‌کنم و سؤال مشخصاً این است وقتی که نظریه‌پردازان در قدوقامت حجاریان «هسته سخت اصلاحات» را مطرح می‌کنند، آیا این بحث اصلاً در شورای‌عالی بازتابی پیدا می‌کند؟ آیا هسته سخت نمی‌تواند مرجعی برای وزن‌کشی باشد؟**

ببینید اگر شورای‌عالی را تصویرگری کنیم، رنگ‌ولعاب عمل‌گرایی آن بر رنگ‌ولعاب تئوری‌پردازی آن می‌چربد. فراتر از شورای‌عالی، هم در بخش اشخاص و هم در بعضی دیگر از اتاق‌های فکر جریان اصلاحات ظرفیت‌های نظریه‌پرداز بسیار خوبی دیده می‌شود. دستاوردهای این مراجع فکری - حالا شما از آقاسعید نام بردید، اما افراد دیگری هم هستند - متناسب با ظرفیت عملیاتی‌شدن آن شنیده می‌شوند.

ادامه در صفحه ۱۵

ادامه از صفحه اول

استیفای حق آموزش

یک جریان فکری قبل و بعد انقلاب مسئله اولویت‌بخشی به آموزش را در قامت دو عبارت تحصیل «رایگان» و «اجباری» به‌مثابه یک حق شهروندی و درعین‌حال یک تکلیف برای شهروند از بودجه عمومی تحلیل می‌کرد و متأثر از اسناد بین‌المللی حقوق بشر و منظومه اندیشه اسلامی به دنبال حکمرانی حامی فرهنگ و فرزانیگی بود.

۴. قوانین نخستین دولت را مکلف می‌کرد در مدت ۱۰ سال آموزش وپرورش ابتدایی را در تمام کشور عمومی و اجباری کند. چنانچه در ماده سوم قانون مصوب سال۳۲ آمده است که آموزش وپرورش در دبستان‌های دولتی در تمام کشور مجانی است و به‌هیچ‌عنوان نباید از دانش‌آموزان وجهی مطالبه شود و به دانش‌آموزان بی‌ بضاعت کتاب درسی مجانی ارائه می‌شود.

۵. این نگاه در انقلاب اسلامی با یک پیشینه فرهنگی بارز تقویت شد و در متن قانون اساسی تصریح شد؛ چراکه انقلاب اسلامی در وهله اول انقلاب معلمان برای اهداف فرهنگی بود و آگاهی‌بخشی رسالت آن به شمار می‌رفت. دهه اول انقلاب نیز این سیاست با وجود جنگ پاس داشته شد؛ اما پس‌ازآن شاهد یک چرخش گفتمانی در نظریه‌بالت آموزش سیاست‌گذار عمومی هستیم!

۶. عزیمت‌گاه این موضوع نگاه کالایی به آموزش وپرورش است، نگاهی که توافری بنیادین با نظریه عدالت اجتماعی جمهوری اسلامی داشته است و تاکنون نیز در سایه بی‌توجهی‌ها استمرار یافته است. سیستم دوگانه فقیر- غنی در نظام آموزشی ما همان‌قدر دردناک است که کیفیت و روزآمدی نظام آموزشی محل بحث و تأمل است. پیام پولی‌شدن تحصیل، نه‌فقط مغایرت با قانون آموزش رایگان و ایجاد نابرابری و شکاف طبقاتی و نقض اصل ۳۰ قانون اساسی؛ بلکه مواجهه با پدیده‌ای به نام کودکان طردشده از تحصیل به دلیل فقر است. بحرانی از جنس نابرابری به خاطر پول که نه‌فقط در تحصیلات ابتدایی مفروض است؛ بلکه شامل تحصیلات تکمیلی نیز خواهد بود.

۷. راه‌حل چیست؟ استقرار نظام تدبیر در آموزش وپرورش با تخصیص بهینه منابع به اهداف کلیدی و بنیادین، بحث بودجه در امتداد یک تصمیم‌مقدم‌تر جای می‌گیرد. عزم به اجرای دقیق اصل ۳۰ قانون اساسی به‌عنوان یک اولویت فراوری توسعه‌کنشور با تغییر نوع نگاه و نه تلقی یک بار سنگین در وضعیتی که تکافوی هزینه‌های جاری با معضل روبه‌رو است. اهداف نظام بودجه‌ریزی، به‌مثابه ابزاری برای نحوه مدیریت منابعی که در اختیار ملت است، باید متمرکز بر توسعه آموزش و ارتقای فرهنگ عمومی باشد. درک مراتب توزیع منابع ملی برای اهداف ملی، اصل کل برای گذار از وضعیت بی‌اولیتی آموزش رایگان و اجباری است.

۸. بودجه دولت مرکز نقل سیاست‌گذاری عمومی و دورنمای توسعه کشور است. معماری اعتماد بین دولت و شهروند آن‌گاه قوام می‌یابد که مردم درک کنند دولت در نظام تصمیم‌سازی و برنامه‌ریزی و نیز بودجه خود، مدام به فکر بچه طردشده از تحصیل سیستماتی و زاهدانی و مدارس کیری هست و اولویت‌داشتن این تدبیر را به صورت عینی بروز می‌دهد.

۹. سیاست‌گذاری عمومی باید مانع کالایی‌شدن حق تحصیل شود. نقض تحصیل رایگان اجحاف بارز درباره یک حق بنیادین و اصل مسلم قانونی است. اختصاص سرانه حمایتی و آموزشی کافی برای تمام اقشار جامعه و به‌ویژه کودکان محروم طردشده از تحصیل تکلیف مستقیم حکمرانی ماست.

این صلاحیت تعینی و تکلیفی دولت‌هاست که آموزش رایگان را تسهیل و تمهید کنند و به نظر من هر دولتی که در این رسالت قصور کند، به مصداق ماده ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی قابل تعقیب کیفری است؛ چراکه یک حق بنیادین مصرح در قانون اساسی را نقض کرده است.

۱۰. تحقق قانون ششم توسعه و مواد بخش و بهداشت و الکوهایی زندگی شایسته‌تر و بیاموزند، یک فرض واجب برای کیفی‌کردن آموزش به‌مثابه یک حق شهروندی است. امید که با حمایت از فعالان صنفی و کشرگران عرصه تعلیم و تربیت، ضمن ایجاد زمینه گفت‌وگوهای راهبردی ب‌توان تحول جدی در استیفای حق بر آموزش ایجاد کرد.